

محظورات در دادخواست علیه موزه لوور

امیرفیض- حقوقدان

اخیرا آقای دکترخزاعی پردیس در رابطه با اقدام موزه لوور فرانسه که گفته شده ستارگان فرهنگ ایران را بنام عرب و اسلام معرفی کرده اقدام اعتراضی را ضرور دانسته و از ایرانیان خواسته اند که بامشارکت درامضا وتائید دادخواست (پتیشن) موجبات موفقیت در پاسداری از ستارگان فرهنگ ایران رافراهم سازند.

درخواست ایشان گرچه ماهیت ستایش برانگیزی دارد ولی محظورات موجود در آن مانع موفقیت دادخواست بنظر میرسد.

در دادخواست وپتیشن، موزه لوور متهم به گرفتن مبالغ زیادی از عربستان سعودی شده است تا درمقابل ستارگان فرهنگ ایران را به عرب و اسلام معرفی کند.

چنین اتهامی که باب رشوه ویداریافت غیرقانونی رابرای موزه لوور باز میکند این حق رابه متصدی ومسئول موزه میدهد که تا متقاضیان پتیشن ازاتهام مزبور عنذخواهی نکنند ویا موضوع اتهام را به دادگاه نبرند از مذاکره ورسیدگی به درخواست پتیشن خودداری نمایند.

پر واضح است پتیشینی که بامثلا هزاران امضا به جریان افتاده اصلاح آن درجهت عنذخواهی ویارفتن به دادگاه برای اثبات موضوع اتهام با چه مشکل وبی آبرونی همراه خواهد بود.

ذکرنام کشور عربستان سعودی دراین ماجرا پتیشن رابه صورت یک کارسیاسی درمیآورد وچون فعلا متاسفانه حکومت ایران در قطب سیاسی مخالف عربستان قرار دارد جنبه فرهنگی وتاریخی پتیشن را تحت الشعاع کارسیاسی خواهد ساخت ونیزعربستان سعودی مدعی مسئله خواهد شد.

امضاکنندگان پتیشن درواقع شهود قضیه هستند این شهود، ازکجا اطمینان دارند که عربستان سعودی درماجرای مزبور وپرداخت مبالغ زیادی مشارکت داشته است؟ وهمین موضوع سبب بی اعتباری پتیشن خواهد شد.

پتیشن کارهای فرهنگی باید ازماجرای مسالمت آمیز ورفع سوء تفاهم وعلاقمندی مشترک به حفظ حقیقت وامثال آنها تدوین گردد نه شمشیر از روبستن ومتهم کردن مسئولین موزه به کلاهبرداری بزرگ. که این تند روی ها موزه را به جبهه گیری بطور طبیعی نسبت بموضوع واخواهد داشت.

باید ازاستدلال موزه لوور وبرداشت آنها دقیقا مطلع شد، این درست نیست که پیشاپیش وقبل ازدانستن نظروماخذ، عمل آنها را دستبرد بیشرمانه نامید، بکاربردن این قبیل عبارات معمول رفع اشکالات فرهنگی وادبی نیست. این اصطلاحات معمول کارهای مبارزه سیاسی است.

اینکه دردادخواست آمده است که خیام بامی ومعشوق خوی وعشق داشته ویا حافظ چنان بوده اینها دلیل عدم وابستگی آنها به دوران ایران اسلامی نیست، این افراد واجمله فردوسی وابوعلی سینا که دردادخواست بعنوان نمونه آورده شده ستارگان فرهنگ ایران در دوران ایران اسلامی بوده اند نه ستارگان فرهنگ ایران قبل ازاسلام.

البته اگرمتصدیان موزه لوور بجای اینکه نوشته باشند ستارگان ایرانی اسلامی نوشته باشند اعراب مسلمان اشتباهی بین است که متصدیان موزه هم ازتذکروهدایت به آن متشکرخواهند شد، زیرا بر اولیای موزه مسلم است که بین هویت دینی وهویت ملی تفاوت است هویت دینی متعلق به فرد است وهویت ملی متعلق به ملت وکشوراست وچون متولدین درایران بطورطبیعی وقانونی دارای هویت ایرانی میباشند نمیتوانند عرب شناخته شوند، ولی میتوانند ازنظرهویت دینی، ایرانی مسلمان ویا زرتشی ویا مسیحی معرفی گردند.

بنده فکرمیکنم که دردادخواست وپتیشن تغییراتی که رفع محظور میشود بجاست. بااحترام امیرفیض